



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر سبک گلستان سعدی و بهارستان جامی

(براساس زبان‌شناسی نقش‌گرا)

استاد راهنما:

دکتر طاهره ایشانی

استاد مشاور:

دکتر یحیی مدرسی

پژوهشگر:

زینب برزگری

شهریورماه ۱۳۹۶

به نام خداوند جان و خرد

سپاسگزارم از

استاد راهنمایم سرکار خانم دکتر ایشانی که علاوه بر راهنمایی‌های بی‌دریغشان با درک شرایطم مرا منت‌گذار خویش ساختند

استاد مشاور مهربانم آقای دکتر مدرسی که در طول انجام این پژوهش بسیار از ایشان آموختم

خانواده عزیزم که با سعه‌صدر شرایطم را تحمل کردند و در انجام این مهم یاری‌ام رساندند

سپاسگزارم از دوست بزرگووارم مرضیه عظیمی که در مراحل نگارش این پایان‌نامه مرا مشمول حمایت و محبت خود قرار داد و همین‌طور خانم فاطمه عرب‌زاده که سیاه‌مشق‌های این پژوهش را با دقت و حوصله خواند و نکات دقیقی را یادآور شد

تقدیم به ریشه‌های وجودی خویش و اولین آموزگارانم:

پدر و مادر عزیزم

چکیده

در دستور زبان نظام‌مند نقش‌گرا برای تحلیل گفتمان سه فرانقش متنی، بینافردي و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود. فرانقش اندیشگانی به دو کارکرد تجربی و منطقی تقسیم می‌شود. در کارکرد تجربی زبان تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان بیان می‌کند. محصول این کارکرد در جمله‌گذاری است که مؤلف‌ای از فرانقش اندیشگانی و مشخصه‌ای از جمله است و برای مشخص نمودن انواع فرایندها در جمله به کار می‌رود. هلیدی برای اشاره به محیط متن، اصطلاح «بافت موقعیت» را ابداع نمود و همچنین برای اشاره به ساختارهای فرهنگی و تأثیر آن بر رفتار و زبان اهالی از اصطلاح «بافت فرهنگی» استفاده کرد. همچنین هلیدی و حسن برای بافت انواع زبانی و غیرزبانی نیز در نظر گرفتند. این پژوهش در ۵ فصل نوشته شده است. فصل اول مربوط به کلیات است، فصل دوم به مبانی نظری پژوهش اختصاص داده شده است. در فصل سوم شرایط تاریخی در زمانه سعدی و جامی نگاشته شده است، در فصل چهارم به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود و در فصل پنجم نتیجه‌گیری نموده‌ایم. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-آماري پس از انتخاب تصادفی حکایات و حکمت‌هایی که در موضوع بین گلستان و بهارستان مشترک بودند و تعیین بسامد تکرار آنها، به تأثیر بافت (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در زبان دو اثر پرداختیم. در واقع برای تبیین رابطه بافت و بازنمود آن در این متون از الگوی بافتی زبان‌شناسی نقش‌گرا استفاده کردیم. در مقایسه‌ی قسمتی از دیباچه‌های دو اثر، باب اول گلستان با روضه‌ی سوم بهارستان، باب دوم گلستان با روضه‌ی نخست بهارستان، باب پنجم گلستان و روضه‌ی پنجم بهارستان و قسمتی از خاتمه‌های دو اثر به این نتیجه رسیدیم که وجه غالب این دو اثر تعلیمی وجه خبری است و در فرایندهای فعلی از فرایندهای رابطه‌ای، مادی بیشترین استفاده را برده‌اند. به این ترتیب به توصیف موضوعات و یا گزارشگری رویدادهایی در آن موضوعات پرداخته‌اند. فرایند ذهنی در روضه و باب پنجم بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که هیچ‌کدام از نویسندگان به بیان گزاره‌هایی مستقیم درباره عشق نپرداخته‌اند بلکه یا آن را در رویدادهایی توصیف کرده‌اند (گلستان) و یا تنها گزارشگر رخدادهایی میان عاشق و معشوق بوده‌اند. سپس بر اساس الگوهای بافتی دو متن را بازخوانی کردیم.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، بافت، انواع بافت، گلستان سعدی، بهارستان جامی

فهرست

فصل اول:	۱
کلیات پژوهش	۱
مقدمه	۲
۱-۱- پرسشهای پژوهش	۳
۲-۱- فرضیه‌های پژوهش	۳
۳-۱- اهداف پژوهش	۴
۴-۱- پیشینه پژوهش	۴
۵-۱- روش انجام پژوهش	۵
۶-۱- ساختار پژوهش	۶
فصل دوم:	۱
مبانی نظری پژوهش	۱
۱-۲- تحلیل گفتمان	۲
۲-۲- زبان و جامعه	۴
۳-۲- زبان‌شناسی نوین	۵
۴-۲- زبان‌شناسی نقش‌گرا	۸
۵-۲- بافت	۱۲
۶-۲- بافت و بخشهای بنیادی معنا در زبان‌شناسی نقش‌گرا	۱۹
۷-۲- بند (به‌مثابه جایگاه تبلور فرانش) .	۲۰
۸-۲- انواع فرانش‌ها	۲۱
۹-۲- مفهوم نظام تعدی یا گذرایی	۲۹
۱۰-۲- فرایندها به لحاظ معناهایشان	۳۰
۱۱-۲- عناصر پیرامونی	۳۲
فصل سوم:	۳۵
بافت تاریخی و فرهنگی (متون مورد بررسی)	۳۵
۱-۳- سعدی و شرایط تاریخی زمانه او	۳۶
۲-۳- جامی و شرایط تاریخی زمانه او	۴۴
فصل چهارم:	۵۱

۵۱	توصیف و تحلیل داده‌ها
۵۲	۱-۴ مقدمه
۵۳	۲-۴ داده‌های گلستان
۷۶	۳-۴ داده‌های بهارستان
۹۲	۴-۴ مقایسه قسمت‌های مشترک با یکدیگر
۱۰۶	۵-۴ تفاوت‌ها و شباهت‌های کلی دیگر گلستان و بهارستان
۱۱۰	۶-۴ بافت موقعیت
۱۱۴	۷-۴ ویژگی‌های بافت اجتماعی و فرهنگی در دو متن
۱۱۶	فصل پنجم:
۱۱۶	بحث و نتیجه‌گیری
۱۱۸	۱-۵ مقدمه
۱۱۸	۲-۵ بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش
۱۲۲	۳-۵ پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی
۱۲۴	کتابنامه
۱۳۲	پیوست

فهرست جدول‌ها

۱۴	جدول ۱-۲- بافت غیر زبانی گلستان و بهارستان مطابق الگوی وردانک
۱۷	جدول ۲-۲- ارتباط متن با بافت موقعیت
۲۱	جدول ۳-۲- نقش گفتارهای بینافردی
۲۷	جدول ۴-۲- فرانش‌ها و نمود آن‌ها در بند

- جدول ۲-۵- عناصر فرانشی تجربی و بازنمود آن‌ها در زبان ۲۸
- جدول ۴-۱- چگونگی تقسیم‌بندی و مقایسه متن‌های انتخابی در گلستان و بهارستان ۵۲
- جدول ۴-۲- مقایسه کلی فرایندهای فعلی در قسمت‌های منتخب گلستان و بهارستان ۱۰۴
- جدول ۴-۳- مقایسه کلی وجهیت در قسمت‌های منتخب گلستان و بهارستان ۱۰۷

فهرست انگاره‌ها و نمودارها

- انگاره ۲-۱- انگاره دبیرمقدم از دستور نقش‌گرای نظام‌مند ۱۱
- نمودار ۲-۲- رابطه بین بند و لایه های متنی، بینافردی و تجربی ۱۹
- نمودار ۳-۲- فرایندهای اصلی و فرعی ۳۱
- نمودار ۴-۱- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از باب اول گلستان ۵۷
- نمودار ۴-۲- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از باب اول گلستان ۶۰
- نمودار ۴-۳- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از باب دوم گلستان ۶۴
- نمودار ۴-۴- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از باب دوم گلستان ۶۸
- نمودار ۴-۵- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از باب پنجم گلستان ۶۹
- نمودار ۴-۶- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از باب پنجم گلستان ۷۳
- نمودار ۴-۷- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از روضه نخست بهارستان ۷۸
- نمودار ۴-۸- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از روضه نخست بهارستان ۸۰
- نمودار ۴-۹- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از روضه سوم بهارستان ۸۱
- نمودار ۴-۱۰- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از روضه سوم بهارستان ۸۴
- نمودار ۴-۱۱- فرایندهای فعلی در متن انتخابی از روضه پنجم بهارستان ۸۵
- نمودار ۴-۱۲- فراوانی وجهیت در متن انتخابی از روضه پنجم بهارستان ۸۸

- نمودار ۴-۱۳- مقایسه فرایندهای فعلی در دیباچه‌های گلستان و بهارستان ۹۱
- نمودار ۴-۱۴- مقایسه وجهیت در دیباچه‌های گلستان و بهارستان ۹۲
- نمودار ۴-۱۵- مقایسه فرایندهای فعلی در باب اول گلستان و روضه سوم بهارستان ۹۴
- نمودار ۴-۱۶- مقایسه وجهیت در باب اول گلستان و روضه سوم بهارستان ۹۴
- نمودار ۴-۱۷- مقایسه فرایندهای فعلی در باب دوم گلستان و روضه نخستین بهارستان ۹۶
- نمودار ۴-۱۸- مقایسه وجهیت در باب دوم گلستان و روضه نخستین بهارستان ۹۶
- نمودار ۴-۱۹- مقایسه فرایندهای فعلی در باب پنجم گلستان و روضه پنجم بهارستان ۱۰۰
- نمودار ۴-۲۰- مقایسه وجهیت در باب پنجم گلستان و روضه پنجم بهارستان ۱۰۱
- نمودار ۴-۲۱- مقایسه فرایندهای فعلی در خاتمه گلستان و بهارستان ۱۰۲
- نمودار ۴-۲۲- مقایسه وجهیت در خاتمه گلستان و بهارستان ۱۰۳

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

ادبیات یعنی تقابلِ منظمِ واژه‌ها، زمانی که نویسنده، صورتگر زبان است، زبانی که در دیرینگی بر نوشتار می‌چربد و با آمیختن با نوشتار طرحی نو درمی‌اندازد و تمام نوآوری‌های زبانی از نوعی شالوده‌شکنی ادبی نشئت می‌گیرد. این «شالوده‌شکنی» را به‌عنوان یک نظریه نوین ادبی بیان نمی‌کنم؛ بلکه منظورم اتفاقی است در بطن زبان، رخدادی که سطحی را مواج می‌کند تا طرحی دیگر بر روی خود انعکاس دهد. البته که نثر و نثرنویسی نیز سهم عمده‌ای از ادبیات ایران را به خود اختصاص داده است. آن هم نثری که روزگاران بلوغ و کمال را خواهان است. اما که می‌داند نهایتِ کمال برای زبان ادبی چیست؟ زمانی که تلاش می‌شود کفه معنا گران‌قیمت باشد و هم‌تراز با آن کفه صورت این پیام نیز به پای معنایش برسد و هم‌ترازی لفظ و معنا وجود داشته باشد. حال باید دید کدام هنرمند کدام کفه را ارج نهاده و آیا بوده هنرمندی که دو کفه ترازویش به توازنِ اعلا برسد؟

در این تحقیق آفرینش هنری دو نویسنده به محک «فرایندهای فعلی» و «بافت در زبان‌شناسی نقش‌گرا» گذاشته می‌شود، جایی که ما از مقایسه نوشته‌های سعدی و جامی سخن می‌گوییم و دلیل «ترین شدن» گلستان سعدی را می‌جوییم. شاید برگ برنده سعدی به نسبت جامی در این باشد که او رسماً درباری نبوده است و آنچه در رفتار شاعرانه او متجلی می‌شود در واقع طبیعت و روال شاعرانگی آن دوره بوده است و نیز اینکه او رسماً عارف یا متصوف نبوده است. جا دارد اینجا سخن رولان بارت را بخوانیم که می‌نویسد: «وقتی که نویسنده پس‌روی کند و برای همیشه به یک عضو حزب تبدیل شود... [نوشته‌هایش]... ناپایدارند. آن‌ها در صورتی نوشتار ادبی می‌مانند که به دور از قدرت باشند و تنها به صرف حضور نامرئی تعهدشان سیاسی به شمار می‌روند. کوتاه سخن آنکه ما با نوشتارهایی اخلاقی سروکار داریم که وجدانِ نویسای آن‌ها ... در جست‌وجوی تصویر دلگرم‌کننده نجاتی همگانی است» (۱۳۷۸: ۵۲).

در کنار ویژگی‌های بنیادی زبان، مباحث دیگری چون «تحلیل گفتمان»^۱ مطرح می‌شود. اصطلاح تحلیل گفتمان را نخستین بار زلیگ هریس^۲ در سال ۱۹۵۲ به کار برد. مقصود وی از این اصطلاح بررسی زبان در ساخت‌های بزرگ‌تر از جمله و در کاربرد آن بود. پس از ظهور زبان‌شناسی نقش‌گرا^۳ و به‌ویژه با کاربست نظریات مایکل هلیدی^۴ تحلیل گفتمان وارد مرحله نوینی شد. این سطح از تحلیل، پس از بررسی جمله و متن به بررسی گفتمان می‌پردازد. گفتمان در این معنا حاصل ترکیب متن^۵ با بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. اصطلاح بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به شرایط تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی متن می‌پردازد.

گلستان اثر سعدی ملقب به شیخ اجل است که در فاصله‌ی قرن ششم و هفتم زیسته است و بهارستان اثر عبدالرحمان جامی، خلیفه طریقت نقشبندیه، در قرن نهم نوشته شده است.

دو متن مورد بررسی (گلستان سعدی و بهارستان جامی) به ترتیب در قرن‌های ششم و نهم در موضوعی واحد (تعلیم و تربیت) نوشته شده‌اند و به سنت ادبی-فکری تقریباً مشابهی تعلق دارند. اگر این دو اثر را نماینده گفتمانی واحد-تعلیم و تربیت- بدانیم مسئله این است که این گفتمان در طول چند قرن چه تغییراتی کرده و بافت فرهنگی هر یک از این دو متن چه تأثیری بر زبان آنها داشته است؟ علاوه بر این کاربرد نحوی افعال در این دو اثر تا چه اندازه در موفقیت و عدم موفقیت آنها موثر بوده است؟

۱-۱- پرسش‌های پژوهش

با بیان مسئله سؤالاتی دقیق مطرح می‌شود که اساس تحقیق بر مبنای پاسخ‌گویی بر آنها شکل می‌گیرد که از این قرار است:

۱. بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چه تأثیری بر زبان گلستان و بهارستان داشته است و مشخصه‌های زبانی (وجهیت و عناصر پیرامونی) در متون مورد بررسی تا چه حد می‌توانند نشان‌دهنده بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر این دو متن باشند؟

۲. این دو اثر بر اساس فرایندهای فعلی چه تفاوتی با هم دارند؟

۱-۲- فرضیه‌های پژوهش

۱. فرضیه یک: بر اساس رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، بافت فرهنگی بر متن تأثیر مستقیم دارد و مشخصه‌های زبانی متون مورد بررسی از بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود تأثیر می‌پذیرند.

Discourse Analysis.^۱

Zelig Harris.^۲

Functional Linguistics.^۳

M.A.K Halliday.^۴

Text.^۵

۲. فرضیه دو: این دو اثر بر اساس فرایندهای فعلی تفاوت معناداری با هم دارند.

۳-۱- اهداف پژوهش

۱. دریافت چگونگی تأثیر بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شاخص شدن اثر ادبی و چگونگی استفاده و به‌کارگیری زبان براساس نمونه‌های آماری از افعال این دو متن است.

۲. شناخت تأثیر بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر متن گلستان و بهارستان

۳. دریافت چگونگی تعامل بافت و متن در این دو اثر.

۴-۱- پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌ها با رویکردی تک‌بعدی و یک‌سویه انجام گرفته‌اند و اغلب متمرکز بر بیان نظریه‌های سبک‌شناسی و یا صرفاً اجتماعیات دوره‌های مورد نظر هستند تا توصیف ویژگی‌های یک اثر خاص. از جمله آثاری از این دست می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «سبک‌شناسی داستان براساس فعل با رویکرد نقش‌گرا» (۱۳۹۰). فردوس آقاگل‌زاده، عالیه کرد زعفرانلو، کامبوزیا زعفرانلو، حسین رضویان.

آقاگل‌زاده و همکارانش در این مقاله به بررسی سبک‌شناختی فعل در داستان‌های کوتاه جلال آل‌احمد و صادق هدایت پرداخته‌اند که حوزه کار متفاوتی از موضوع مورد بحث است.

۲. «بررسی سبک رمان من چراغ‌ها را خاموش می‌کنم با رویکرد فرانش میان‌فردی نقش‌گرایی» (۱۳۸۸). محمدرضا پهلوان‌زاده، فائزه وزیرنژاد.

بررسی این رمان نیز با رویکرد فرانش میان‌فردی در زبان‌شناسی نقش‌گراست که هم روش و هم حوزه تحقیق آن متفاوت است.

۳. «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان» (۱۳۸۹). سیامک صاحبی و دیگران.

نویسندگان با توجه به ساخت گفتمانی متون و بر اساس الگوی انتقادی ون لیون نتیجه می‌گیرند که مؤلفه‌های گفتمانی مبتنی بر پوشیدگی در مقایسه با مؤلفه‌های مبتنی بر صراحت از بسامد بالایی برخوردارند. درواقع سعدی با بافت‌زدایی مکانی، تاریخی و سیاسی اثر خود را از سایر متون ممتاز کرده

است و مخاطبانش را در طول قرن‌ها و در مکان‌های گوناگون حفظ کرده است. چنانکه مشاهده می‌شود این مقاله با رویکردی انتقادی به تحلیل و نقد روایی گلستان پرداخته که متفاوت از پژوهش حاضر است.

۴. «طبقه‌بندی نحوی-معنایی افعال زبان فارسی» (۱۳۷۹). مریم السادات غیاثیان.

این پایان‌نامه در رشته زبان‌شناسی و به طور کلی در زمینه افعال فارسی نگاشته شده و به تحلیل متون مورد نظر این پژوهش پرداخته است.

۵. «گفتمان حکومتی در گلستان سعدی» (۱۳۹۱). نسرين فقيه ملك مرزبان و مرجان فردوسی.

این اثر تنها از منظر تحلیل گفتمان حکومتی به بررسی گلستان سعدی پرداخته است. اگرچه در ابتدا اندکی به زبان‌شناسی نقش‌گرا گریزی می‌زند و سعی دارد به شکلی نظام‌مند به تحلیل حکومتی گلستان سعدی برسد لیکن به دلیل مقایسه نکردن اثر با نظیره‌ها و تنها با تکیه بر خود گلستان تفسیر و تبیین آن در پژوهش یک‌بعدی است. در صورتی که پژوهش پیش رو، با رویکرد دقیق زبان‌شناسی نقش‌گرا و تحلیل زبان متن با مورد توجه قرار دادن بافت فرهنگی هر اثر قصد دارد با قیاسی عمل کردن در حوزه پژوهش هر متن، به‌خصوص بهارستان را به چالش بکشد.

۱-۵- روش انجام پژوهش

این پژوهش بر اساس متون کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-توصیفی و آماری به صورت مقایسه‌ای از داده‌های دو اثر مورد نظر خواهد بود. از نثر گلستان سعدی و بهارستان جامی حکایات مشترکی به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و به طور آماری و نموداری تحلیل‌ها به نمایش درخواهند آمد.

در این پژوهش همچنین روش کلی مقایسه را برگزیدیم چراکه «راحت‌ترین شیوه برای درک ماهیت یک متن مقایسه آن متن با متون دیگر است. راهکار مقایسه مبتنی بر این نکته ساختگراست که یک گفته یا نوشته همواره معنایش را به واسطه متفاوت بودن با چیز دیگری که گفته شده یا ممکن بود گفته شود، به دست می‌آورد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

جامعه آماری در این پژوهش به این صورت است: انتخاب ۲۰ حکایت از دیباجه، باب اول، باب دوم، باب پنجم و خاتمه گلستان و نیز انتخاب ۲۰ حکمت و حکایت از دیباجه، روضه اول، روضه سوم، روضه پنجم و خاتمه بهارستان؛ به این ترتیب که شمارگان ۱ و اعداد زوج قبل از ۱۰ و خود ۱۰ برای قسمت‌های اصلی متون در باب‌ها انتخاب شده‌اند که حاصل آن ۶ متن از هر کدام است به علاوه ۱ متن از دیباجه و ۱ متن دیگر از خاتمه که در مجموع ۲۰ قسمت از گلستان و ۲۰ قسمت دیگر از بهارستان انتخاب می‌شود. این انتخاب از قسمت‌های مشترک این دو کتاب صورت می‌گیرد.

۱-۶- ساختار پژوهش

این پژوهش در ۵ فصل نوشته شده است. فصل اول مربوط به کلیات است، فصل دوم به مبانی نظری تحقیق اختصاص داده شده است. در فصل سوم شرایط تاریخی در زمانه سعدی و جامی نگاشته شده است، در فصل چهارم به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود و در فصل پنجم نتیجه‌گیری نموده‌ایم.

فصل دوم:

مبانی نظری پژوهش

۱-۲- تحلیل گفتمان

مطالعات نظام‌مند در قالب چارچوب‌های مشخص نظری پیرامون متن و گفتمان^۱ را می‌توان رشته‌ای نوپا به حساب آورد. اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۱ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان در زبان» (*Discourse Analysis in Language*) از زبان‌شناس معروف آمریکایی زلیگ هریس^۲ به کار رفته است.

فرا رفتن از آواها و اصوات و حروف در زبان مخصوصاً آثار ادبی از نتایج مطرح شدن تحلیل گفتمان است. «تجزیه و تحلیل زبان (کلام) و عملکرد آن تا پیش از پیدایش و ظهور تحلیل گفتمان، منحصر به تجزیه و تحلیل آوایی، دستوری (صرف و نحو) و معنایی کلام در سطح جمله می‌شد، در حالی که چنین روشی کاربرد زبان را نادیده می‌گرفت. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، گفتمان وارد مباحث زبان‌شناسی شد» (ایشانی، ۱۳۸۹: ۲۱). به این ترتیب «زبان‌شناسی یکی از سرچشمه‌های نظریه گفتمان است که خط سیر تحول آن از «شناخت زبان به‌عنوان پدیده‌ای در خود» به «شناسایی نقش زبان در انعکاس و بازتولید روابط و مناسبات اجتماعی» است» (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۷).

یورگنسن و فیلیپس نیز در تعریفی مقدماتی از گفتمان آورده‌اند: گفتمان عبارت است از «شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). و در بیان هدف نظریه گفتمان نوشته‌اند: «هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی است به‌مثابه برساختی اجتماعی» (همان، ۵۳). سه تعریف از گفتمان، که بسیار مرسوم‌اند، در ذیل ذکر می‌شود:

^۱discourse.

^۲. Z. Haris

۱. «گفتمان قطعه‌ای از زبان با معناست که اجزای آن به نحوی به هم مربوطاند و هدف خاصی دارد.

۲. گفتمان محصول ارتباط و تعامل مباشران گفتگو در بافتی اجتماعی- فرهنگی است.

۳. گفتمان را به عمل گفته یا کار در مقابل محصول گفته یا متن که بازنمای ساختِ صوری گفتمان است، می‌گویند.

در مورد تعریف اول، اگر جملات قطعه‌ای از زبان را جابه‌جا کنید و به هم بریزید می‌بینید دیگر فهمیده نمی‌شود. ممکن است بتوانید جملات جابه‌جاشده را در جای خود قرار دهید و قطعه را بازسازی کنید. چرا چنین است؟ باید سازوکاری وجود داشته باشد که این جملات را به نحو مطلوب به هم ارتباط دهد. در جستجوی این سازوکار گفتمان‌شناسان از عوامل پیوند و پیوستگی، ساخت موضوعی، بیان گونه یا ژانر، آغازگری و بیانگری و چارچوب‌های فکری و غیره صحبت می‌کنند و راه و رسم آنها را کشف و عرضه می‌دارند. مثلاً اگر داستانی را در نظر بگیرید می‌بینید این داستان اجزای مشخصی دارد، این اجزا اغلب توالی خاصی دارند و ما از این اجزا و توالی خاص آنها آگاهی داریم.

تعریف دوم می‌گوید اهل زبان از مرد و زن گرفته تا پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، پولدار و بی‌پول در موقعیت‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی با هم ارتباط دارند و این ارتباط هم بیشتر از طریق زبان صورت می‌گیرد. در هنگام ارتباط و گفتگو چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی گوینده صحبت می‌کند تا چه حد می‌تواند صحبت خود را ادامه دهد تا مخاطبش سخن آغاز کند؟ یا وقتی کسی دستوری می‌دهد بسته به اینکه دستوردهنده کیست و رابطه‌اش با مخاطب چیست، انتظار اجابت و یا عدم اجابت می‌رود. بافت اجتماعی - فرهنگی چیست؟ می‌دانیم که سخنگویان در موقعیت‌های مختلف (در خلوت یا ملاعام، آشنا یا غریبه بودن طرف گفتگو، بالاتر یا پایین‌تر بودن مقام مخاطب، و قس علی هذا) با شیوه‌های مختلف سخن ساز می‌کند.

در تعریف سوم، عنایت ویژه به زبان به‌عنوان کار و عملی که به‌طور مداوم از انسان سر می‌زند معطوف است و تأکیدی خاص بر یکی از پایه‌های مهم منظورشناسی دارد» (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۳).

از سوی دیگر لازمه تحلیل گفتمان متن، جامعیت و نگرش وسیعی است که رشته‌های علمی دیگری مثل جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ و سیاست، و ادبیات را نیز در برمی‌گیرد (فاولر، ۱۹۹۶: ۱۵۱-۱۵۲). این‌گونه تلقی از ادبیات، به‌منزله کلام، متن ادبی را میانجی روابط بین کاربران زبان، اعم از روابط گفتاری و روابط مبتنی بر آگاهی‌های ایدئولوژیکی، و نقش و وظایف اجتماعی آنها (← فاولر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۴) است.

ایشانی و نعمتی ضمن بیان اینکه «نقش‌گرایان، گفتمان را کاربرد زبان می‌دانند» بیان می‌کنند که «تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند و در مدت نسبتاً کوتاهی (نزدیک به دو دهه) این گرایش از زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون فوکو و دریدا و دیگر متفکران مغرب‌زمین، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت» (۱۳۹۲: ۷۱).

۲-۲- زبان و جامعه

مهاجر و نبوی درباره زبان در جامعه این‌گونه می‌نویسند: «هر جامعه فرهنگ مادی و معنوی ویژه خود را داراست و در چارچوب همین فرهنگ است که مفاهیم و معناهاى مورد نیازش را فراهم می‌آورد. این معناها که در چارچوب نظام اجتماعی آفریده می‌شوند، سیستم‌های هم‌بسته‌ای از امکانات معنایی ممکن و ویژه هر نظام اجتماعی را پدید می‌آورند. این سیستم هم‌بسته معناها که جامعه در ساحت‌های گوناگون خود آن را می‌پروراند و با آن راه به سامان می‌برد، «پتانسیل معنایی»^۱ ویژه آن جامعه را می‌سازد، و هر ارتباطی که برقرار می‌شود در چارچوب این پتانسیل معنایی صورت می‌گیرد و معناهای جدیدی هم که خلق می‌شوند بر پایه همین معناها شکل می‌گیرند. ... این همبستگی دیالکتیکی میان معنا و ابزار بیانی آن، چنان است که هر دگرگونی در پتانسیل معنایی جامعه، ضرورتاً به دگرگونی زبان آن جامعه می‌انجامد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ۲۰-۲۱). نیز می‌نویسند: «در این راستا، زبان همچون «شاخه‌ای از جامعه‌شناسی» به بررسی آن دسته از کنش‌های اجتماعی می‌پردازد که مبتنی است بر انتقال معنی به واسطه زبان. این معنی، خود، مبتنی است بر کنش متقابل عناصر موجود در هر موقعیت مشخص، یعنی زمان و مکان برقراری ارتباط، عناصر صحنه ارتباط، آدمیان درگیر در ارتباط، روابط اجتماعی میان آن‌ها و متون مشخصی که ارتباط به واسطه آن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین، برای تبیین معنا همه عناصر نقش‌مند و معنی‌دار این موقعیت مورد محاسبه قرار می‌گیرند. در اینجا، همه چیز، نه آرمانی، که واقعی است: گوینده- شنونده‌ای واقعی، دنیایی واقعی و زبانی واقعی، با تمام ناهمگونی‌ها، استثناها و همسانی‌هایشان. و دیگر ابرناسانی در کار نیست تا حکم به دستوری بودن یا غیردستوری بودن بدهد، چراکه همه چیز مبتنی است بر پذیرفته بودن در هر موقعیت معین. این زبان تناقض‌ها و تضادهای اجتماعی و ایدئولوژیک موجود میان گروه‌های گوناگون اجتماعی و گرایش‌های فردی متفاوت را بازمی‌تاباند و به آن‌ها صورت عینی می‌دهد» (همان، ۱۸-۱۹).

مدرسی زبان را یک نهاد اجتماعی می‌داند که «از یک سو برای ایفای نقش ارتباطی خود به ثبات نیاز دارد و از سوی دیگر، به موازات دگرگونی‌هایی که در سطح یک جامعه پدید می‌آید، ناگزیر دچار تغییر می‌گردد و خود را با نیازهای زمان منطبق می‌سازد. اگر زبان از یک ثبات نسبی برخوردار نباشد، نمی‌تواند نقش ارتباطی خود را به نحو مطلوبی به انجام رساند و اگر تحول نیابد و برای برآوردن نیازهای ارتباطی

۱ . Meaning potential

تازه جامعه دگرگون نشود، به ابزاری ناقص تبدیل می‌گردد که پاسخگوی نیازهای روز گویندگان خود نخواهد بود» (مدرسی، ۱۳۹۰: ۲۳). بنابراین مدت زمانی است که جامعه‌شناسی زبان مورد توجه واقع شده است. سراج نیز درباره هدف جامعه‌شناسی زبان می‌نویسد: «نه‌تنها توضیح گونه‌های زبانی و بافت خاص اجتماعی است که این گوناگونی‌ها در آن اتفاق می‌افتد؛ بلکه رابطه زبان و اجتماع را نیز نشان می‌دهد.» و اهمیت جامعه‌شناسی زبان از آن جهت است که «قلمرو گسترده‌تری از زبان و اجتماع را دربرمی‌گیرد» (سراج، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲).

۲-۳- زبان‌شناسی نوین

رویکرد رایج زبان در قرن نوزدهم، رویکرد «درزمانی» بود با هدف توصیف و تبیین سیر تحول زبان‌های بشری در گذر تاریخ و متأثر از مکتب پوزیتیویسم اگوست کنت بود که تأکیدش بر تقدم روش‌های تجربی و مشاهده و تحلیل بر نظریه‌پردازی فلسفی بود. این نوع نگرش به زبان، نخستین انقلاب زبان‌شناسی به شمار می‌رود که به‌ویژه در سال ۱۷۸۶ در پی پژوهش‌های ویلیام جونز شکل گرفت که توانست بین زبان‌های فارسی باستان، سنسکریت و لاتین شباهت‌هایی بیابد و به این نتیجه رسید که زبان‌ها از منشأ واحدی سرچشمه گرفته‌اند. این نوع نگرش به زبان در زبان‌شناسی ادامه یافت تا اینکه اوایل قرن بیستم در پی دیدگاه‌های فردینان دو سوسور انقلاب دومی در زبان‌شناسی مبنی بر مطالعه همزمانی زبان و تأکید بر اینکه زبان نظامی از نشانه‌هاست، شکل گرفت و زمینه و مبنای بسیاری از نظریات نقد نو شد (اسمیت و ویلسون، ۱۳۶۷: ۹).

زبان‌شناسی جدید بر اساس نظریات فردینان دو سوسور بنا شده است. سوسور دو بعد اساسی و بنیادی هم‌زمانی^۱ و درزمانی^۲ را در مطالعات زبان‌شناختی مطرح نمود. زبان‌شناسی هم‌زمانی، همان زبان‌شناسی توصیفی^۳ و زبان‌شناسی درزمانی، همان زبان‌شناسی تاریخی^۴ است. او کانون پژوهش‌های زبان‌شناختی را بر مطالعات هم‌زمانی قرار داد و به این ترتیب در بینش انسان نسبت به زبان و مطالعات زبان‌شناختی تغییراتی اساسی به وجود آورد (روبینز، ۱۳۷۰: ۴۱۶).

دبیر مقدم روند تکاملی زبان‌شناسی را این‌گونه بیان می‌کند: «زمانی که زبان‌شناسی روند تکاملی خود را طی می‌کند سوسور در تعالیم خود شالوده نظری نوینی را در مطالعات زبان‌شناسی بنا می‌کند. معرفی

^۱ . synchronic

^۲ . diachronic

^۳ . descriptive

^۴ . historical

مفاهیمی چون زبان‌شناسی «هم‌زمانی»، «درزمانی» و «همه‌زمانی»^۱ که آخری تداعی‌کننده نوعی همگانی‌های زبانی است. و نیز تمایز بین «زبان»^۲، «گفتار»^۳ و «قوه نطق»^۴، و همچنین تقابل بین «صورت»^۵ و «جوهر»^۶، روابط «هم‌نشینی»^۷، و «جان‌نشینی»^۸، «دال»^۹ و «مدلول»^{۱۰} و طرح مفهوم «نشانه»^{۱۱} ارکان چهارچوب نظری سوسور هستند. آخرین جمله کتاب فوق‌الذکر روشنگر بینش سوسور نسبت به زبان‌شناسی است: «هدف واقعی و یگانه زبان‌شناسی عبارت است از مطالعه محض زبان» (سوسور، ۱۹۱۶: ۲۳۲). در این گفته حیطه زبان‌شناسی مطالعه صرف و محض زبان فارغ از عواملی همچون جامعه و طبقات اجتماعی، جغرافیا، فرهنگ، وظیفه و نقش ارتباطی و کاربردی زبان و امثال آن تعیین شده است. از این‌رو سوسور را باید زبان‌شناسی «درون‌گرا»^{۱۲} پنداشت. از سوی دیگر زبان‌شناسانی که زبان را در ارتباط با عواملی همچون فرهنگ، روان، جامعه، وظیفه و نقش ارتباطی و کاربردی آن، تحولات تاریخی، و امثال آن بررسی می‌کنند زبان‌شناسان «تعالی‌گرا»^{۱۳} خوانده می‌شوند زیرا آن‌ها مقولات زبانی را به مقولات به تعبیر آن‌ها کلی‌تر، بنیادی‌تر، و متعالی‌تر غیرزبانی همچون عوامل گوناگون فوق‌الذکر منسوب می‌دانند. دیگر ویژگی‌های بینشی سوسور عبارت‌اند از «کل‌گرایی»^{۱۴} و «ذهن‌گرایی»^{۱۵} او. سوسور اجزاء زبان را به‌عنوان اجزاء تشکیل‌دهنده یک کل می‌پنداشت که هر کدام جایگاه و نقشی در درون آن کل بر عهده دارد. وی عقیده داشت که آن «کل» یعنی «زبان»، خود پدیده‌ای ذهنی و روان‌شناختی است که تجلی آن به صورت «گفتار» است که پدیده‌ای «روان-جسمی»^{۱۶} است. آراء و مفاهیم نظری مطرح‌شده

panchronic^۱

langue^۲

Parole^۳

Langage^۴

form^۵

substance^۶

syntagmatic^۷

paradigmatic^۸

signifiant^۹

signifie^{۱۰}

sign^{۱۱}

immanent^{۱۲}

transcendent^{۱۳}

holism^{۱۴}

mentalism^{۱۵}

psychophysical^{۱۶}

از سوی سوسور مکتب زبان‌شناسی «ساخت‌گرایی اروپایی»^۱ را پدید آورد (سوسور ۱۹۱۶: ۹۵-۹۶ و ۱۲-۱۸ به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۵).

به مکتب‌های زبان‌شناسی متعددی که در اروپا و آمریکا به وجود آمدند و از اندیشه‌های فردینان دو سوسور الهام گرفتند، عموماً «ساختارگرا» و به روند آن‌ها «ساختارگرایی» گفته‌اند. سوسور هیچ‌گاه در مطالعات خود اصطلاح «ساخت»^۲ را به کار نبرد. اما شاگردان او از روند «ساختارگرایی» برای مطالعات خود استفاده کردند و سوسور را آغازگر مکتب ساخت‌گرایی دانسته‌اند (دبیرمقدم و کاظمی، ۱۳۷۸: ۴۳۳).

مهاجر و نبوی نیز بیان می‌کنند: «زبان‌شناسی نوین بنیان‌های خود را بر پیش‌نهادهای فردینان دو سوسور^۳ استوار کرده است. سوسور با طرح دوگانگی در زمانی / هم‌زمانی و قرار دادن مطالعات هم‌زمانی در کانون پژوهش‌های زبان‌شناختی، مطالعات زبانی را از بررسی‌های تاریخی و در زمانی به بررسی‌های ساختاری و هم‌زمانی معطوف کرد و با ایجاد یک گسست شناخت‌شناسانه در بینش انسان نسبت به زبان، سرمشق نویی را در این حوزه ایجاد کرد. آنچه او در چارچوب این سرمشق طرح و تبیین کرد، در مقام بنیان‌های این نوع زبان‌شناسی، در طول هشتاد سال گذشته، دست‌کم در حوزه دانشگاهی تغییرناپذیر و قطعی انگاشته شده است. و در پرتو همین پیش‌نهادهای بوده است که نگرش حاکم بر زبان‌شناسی این دوران، که نخست در سنت ساخت‌گرایی^۴ و سپس در زبان‌شناسی زایشی^۵ تبلور یافت، تصویری خرد‌گرایانه، ایستا، همگون، ذره‌گرایانه و تک‌سویه از زبان ارائه کرده است. سوسور که زبان‌شناسی را بخشی از علم نشانه‌شناسی^۶ آینده می‌انگاشت، آرای خود را بر پایه مفهوم نشانه^۷ بنا کرد. نزد او نشانه واحدی بود حاوی دال^۸، که صورت آوایی آن را تشکیل می‌داد، و مدلول^۹، که تصویر ذهنی متداعی و همراه با آن بود، و دلالت، که رابطه‌ای میان این دو بود: رابطه‌ای ثابت، قطعی و ایستا که به نشانه منش یک بسته اطلاعاتی را می‌داد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶).

اوج پژوهش‌های جمله-بنیاد نگره زبان‌شناسی زایشی^{۱۰} در آثار چامسکی^۱ است. در نظریه زایشی-گشتاری چامسکی که به نظریه معیار^۲ معروف گشت، هر جمله دو نوع ساخت دارد: یکی ژرف‌ساخت؛

European Structuralism^۱

Structre^۲

Ferdinand de Saussure^۳

structuralism^۴

Generative Linguistics^۵

semiology^۶

sign^۷

Significant/ signified^۸

Signifie/signified^۹

. Generative Linguistics^{۱۰}

یعنی «روابط معنایی و منطقی اجزای جمله» و دیگری روساخت که «شکل خارجی و عینی جمله» است که الزاماً منطبق با ژرفساخت جمله نیست (همان : ۷).

همچنین «کاربردشناسی زبان^۲ که از دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی است، در نیمه دوم قرن بیستم وارد قلمروی پژوهش‌های زبان شد. در چنین رویکردی، به مطالعه معنی پرداخته می‌شود. به عبارت دقیق‌تر مطالعه رابطه میان صورت و نقش، یعنی آنچه تحلیل گفتمان نامیده می‌شود، بخشی از کاربردشناسی زبان است که با عنوان مطالعه کاربرد نشانه‌ها معرفی می‌شود در زمینه کاربردشناسی زبان می‌توان از محققانی مانند یاکوبسن، آستین^۴، سرل^۵ و گرایس^۶ نام برد. در این زمان آستین و سپس سرل نظریه «کنش گفتار»^۷ را بنیاد نهادند و گرایش «اصول مشارکت زبانی»^۸ را پی ریختند (Leech, ۱۹۸۳:۷۹ و Renkema, ۱۹۹۳:۲۱ به نقل از ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۲).

۴-۲- زبان‌شناسی نقش‌گرا

نقش‌گرایی هلیدی در سنت نقش‌گرایی اروپایی، به‌ویژه مکتب لندن^۹ و «نظریه نظام- ساخت»^{۱۰} فرث، همچنین مکتب پراگ و آرای متسیوس^{۱۱} درباره «نمای نقشی جمله»، ریشه دارد (دبیر مقدم، ۱۳۸۶: ۴۳). هلیدی نخستین‌بار در سال ۱۹۸۵ با انتشار کتاب *مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرا*^{۱۲}، به معرفی نظریه نقش‌گرای نظام‌مند خود پرداخت و در سال ۱۹۹۴ نیز ویراست دوم آن را منتشر کرد. ویراست سوم این اثر در سال ۲۰۰۴ با همکاری کریستن متیسن منتشر شد، و آن‌گونه که هلیدی در پیش‌گفتار خود بر این ویراست گفته است، می‌توان آن را به‌نوعی کتاب جدیدی دانست (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: viii به نقل از رضایی لاکسار، ۱۳۹۴: ۳۲).

زبان‌شناسی نقش‌گرا با تأکید بر مفهوم «بافت» و نقش آن در معنابخشی به جملات تحولی عظیم در سنت رایج زبان‌شناختی به وجود آورد. زبان‌شناسان در این حوزه زبان‌شناسی «چگونگی شکل‌گیری

N. Chomsky^۱

Standard theory^۲

pragmatics^۳

JL, Astin^۴

J. Serle^۵

P. Grice^۶

Speech act^۷

Cooperative principle^۸

. London School^۹

. System-Structure Theory^{۱۰}

. Mathesius^{۱۱}

. An Introduction To Funcional Grammar^{۱۲}